

چهار سال بعد، زمانی که دو نفر از شاگردان آیت‌الله خامنه‌ای، یعنی شهید حجت‌الاسلام سیدرضا کامیاب و حجت‌الاسلام محمدباقر فرزانه از استادشان خواستند تا در کنار جلسات درس فقه و اصول عقاید، در جلسه‌ای تفسیر قرآن بگویند، باز هم انتخاب استاد برای شروع، سوره‌ی مائده بود و بعد از آن، سوره‌ی مبارکه‌ی انفال. جلساتی که در آن، مباحث مهم عقیدتی و مبارزاتی گفته شد اما «متأسفانه، نوارهای این جلسات از دست رفت. یعنی نفهمیدیم دست کی افتاد و چه شد! و الا آنها چیزی بود که الآن به درد می‌خورد.»

### منشور مقاومت خردمندانه

**رسالت:** تأکید اصلی مقام معظم رهبری، با تحلیل دقیق فضای موجود بر آن بود که اساساً جنگی در کار نیست و دشمن برای حمله نظامی نه عزم دارد و نه توانی. اما تلاش دشمن بر این است که با ایجاد سر و صدا و با هوچی‌گری و دمیدن بر شیپور جنگ، برخی از مسئولان کشور را به ترس بیندازد و کاری کند که آنها، دچار خطای محاسباتی شوند و آتش جنگ را واقعاً نزدیک احساس کنند؛ در نتیجه با دست‌ان خود، خویشتن را مهار کنند و از پافشاری بر نقاط قوت کشور یعنی عمق راهبردی در منطقه و یا توان دفاعی و موشکی کوتاه بیایند. پس از تجربه برجام و عبرت‌های آن برای دولت و مردم واقعاً کسی نباید به دنبال دادوستد با آمریکا باشد و مشخص است که نفعی در چنین مذاکره‌ای نیست. مخاطب دوم سخنان رهبری مردمند. به هر حال از ابتدا هم روشن بود که دولت فعلی، مشی و روش اصلی‌اش، مقاومت و موضع مستحکم در برابر دشمن نیست و به مذاکره اعتقاد دارد. اگرچه این روش، در سال‌های نخست این دولت، به‌زعم خودشان موفقیت‌هایی داشت، اما در نهایت و در فاصله چند سال به اقرار آنها به بن‌بست رسید. اما نکته دیگر دیدار روز گذشته رهبر معظم انقلاب با کارگزاران نظام، القای آرامش بود. «جنگ نمی‌شود و مذاکره نمی‌کنیم» ترجیح‌بند سخنان ایشان در یک‌سال گذشته بوده که دیروز با قطعیت تکرار شد. ما قرار نیست با آمریکا، به ویژه دولت فعلی آمریکا مذاکره کنیم، این یعنی از نقاط قوت خود کوتاه نمی‌آییم و دقیقاً به همین دلیل است که جنگ نمی‌شود. آن‌ها که فکر می‌کنند با مذاکره سایه جنگ را از کشور دور کرده‌اند بدانند که این مذاکره نیست که جنگ را دور می‌کند، بلکه نقاط قوت ما اعم از وحدت ملی، توان دفاعی و راهبرد منطقه‌ای ماست.

### انصارا...: این عملیات پهپادی، خوش آمد گویی به ناو تازه وارد آمریکایی بود

**خراسان:** شاید زمانی که «عبدالملک بدرالدین الحوثی» دبیرکل جنبش انصارا... یمن در بهمن سال ۹۵ اعلام کرد که این جنبش به زودی کار ساخت پهپاد را آغاز خواهد کرد، کسی تصور نمی‌کرد آن‌ها کمتر از یک سال بعد بتوانند به فناوری پیچیده ساخت این سلاح مدرن دست یابند، اما حالایگان پهپادی ارتش و کمیته‌های مردمی یمن تاجایی پیشرفت کرده که در عملیاتی بزرگ و کم سابقه، هفت پهپاد پیشرفته خود را از روی تمام شهرهای مهم عربستان مانند مکه، مدینه و جدّه عبور داده و با نفوذ به ۱۲۰۰ کیلومتری عمق خاک عربستان خط لوله اصلی آرامکو را منهدم می‌کند. حمله‌ای در قلب عربستان که باعث شد خط لوله اصلی انتقال نفت از ساحل شرقی به سمت بندر ینبع در ساحل دریای سرخ عملاً

متوقف شود. وزیر انرژی آل سعود نیز با تایید این حمله در حالی که کلماتش پر از عصبانیت بود گفت در این حمله خط لوله اصلی شرکت آرامکو منهدم شده است. وزیر انرژی سعودی در کلماتی پر از ترس، گفت که این حمله نه تنها عربستان که اقتصاد جهانی و بازار انرژی بین‌المللی را هدف قرار داده است.

این جاست که باید به وزیر سعودی گوشزد کرد آن روزی که وارد یمن شدید، فکر می‌کردید ظرف مدت دو سه ماه همه چیز تمام است اما حالا دیدید که بازی تازه شروع شده است. در واقع یمنی‌ها صدها کیلومتر آن‌سوتر از مرزهای خود با پهپادهای جدیدشان به دنبال انتقام خون صدها زن و کودک یمنی هستند که طی روزهای اخیر در حملات هوایی ائتلاف سعودی جان باخته‌اند. خط لوله بقیق - ینبع به طول ۱۲۵۰ کیلومتر، به تنهایی ظرفیتی بیش از ۴۰ درصد صادرات نفت خام عربستان سعودی را به خود اختصاص داده است. بلافاصله پس از اعلام حمله به خط لوله اصلی نفت در عربستان، بهای نفت در بازارهای جهانی نیز افزایش یافت و به ۷۲ دلار در هر بشکه رسید. ارزش سهام ۱۶۲ شرکت از ۱۹۲ شرکت ثبت شده در بورس عربستان به شدت سقوط کرد. همزمان، «فهمی ایوسفی» معاون وزیر اطلاع‌رسانی یمن با بیان این که عملیات پهپادی دیروز، خوش آمد گویی به ناو تازه وارد آمریکا به خلیج فارس بود، افزود: عملیاتی که یگان پهپادی ارتش یمن انجام داد تحولی منحصر به فرد بود که چندین پیام داشت؛ مهم‌ترین پیام‌ها این بود «کسانی که جز کلاشینکف، سلاحی در اختیار نداشتند، امروز پهپادهایی می‌سازند که به عمق کشورهای عضو ائتلاف سعودی می‌رسد».

## چرا خروج گام به گام از برجام؟

**سیاست روز:** موضوع خروج یا ماندن ایران در برجام مسئله‌ای است که نظام باید در باره آن تصمیم بگیرد که شامل نهادها و سازمان‌های تصمیم‌گیر همچون شورای عالی امنیت ملی کشور است. هر چند اعتقاد بر این است که در شرایط کنونی نباید از توافق هسته‌ای خارج شد، اما برخی مسئولین درباره خروج از آن. پی. تی. سخن می‌گویند. سیاستی که دولت در پیش گرفته کنار گذاشتن مرحله به مرحله برجام است، که یکسال پس از خروج رسمی آمریکا از توافق هسته‌ای قرار است اجرا شود و مرحله نخست آن نیز با جلوگیری از فروش و در واقع خروج اورانیوم غنی شده و آب سنگین آغاز شد.

بر اساس گفته‌های دولتمردان همچون آقای ظریف و عراقچی، همچنین برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی بنا بر خروج کامل و سریع از توافق هسته‌ای نیست بلکه قرار است تا مرحله به مرحله ایران اقدام به پایان دادن به تعهدات خود کند و در مهلت ۶۰ روزه که به اروپا داده شده آنها باید به تعهدات خود بازگردند. فارغ از اینکه اروپا برجام را در جایگاه یک توافق نمایشی برای خود می‌خواهد و در مقابل برای ایران اجرای تعهدات را مطالبه می‌کند، موضوع بر سر این است که آمریکا پس از آن که دو سال تعهدات برجامی خود را اجرا نکرد، اردیبهشت‌ماه سال گذشته از توافق رسماً خارج شد و پس از یکسال مذاکره با اروپا برای ادامه توافق هسته‌ای، دولت چنین تصمیم گرفته است، خروج مرحله‌ای و گام به گام از برجام. اما چرا گام به گام و چرا کامل و قاطع نه؟ آمریکا همه برجام را کنار گذاشت و اروپا نیز چنین رویه‌ای دارد.

آمریکا از کل برجام خارج شد و این اقدام ناگهانی بود نه مرحله به مرحله، قطعاً این حق ایران است که او نیز قاطع و کامل از توافق خارج شود. روشی که دولت برای پاسخ به اقدام آمریکا و اروپا علیه برجام گرفته است، روشی قاطع و منسجم نیست، چراکه این روند باعث تبعاتی برای جمهوری اسلامی خواهد شد. نخستین بار منفی اقدام مرحله‌ای ایران

دادن فرصت بیشتر به آمریکا و اروپا برای تدارک دقیق‌تر جنگ روانی و تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران است. رایزنی‌های گسترده پمپئو وزیر خارجه رژیم آمریکا و سفرهای متعدد او به دیگر کشورها در راستای جنگ تبلیغاتی و روانی آمریکا علیه جمهوری اسلامی است. کافی است نگاهی به رسانه‌های آمریکایی و اروپایی بیندازیم به عمق جنگ رسانه‌ای آنها در چارچوب جنگ روانی علیه ایران پی خواهیم برد. پس روشن است که خروج گام به گام ایران از توافق هسته‌ای، افزایش فشارهای غرب را در پی خواهد داشت آمریکا در پی آن است تا بتواند از فرصت داده، شده افکار عمومی جهان را نیز همزمان با خروج گام به گام ایران از برجام، با خود همراه کند. فریب افکار عمومی دنیا یکی از شگردهایی است که آمریکایی‌ها آن را به خوبی پیاده می‌کنند.

به طور کلی روشی خروج گام به گام از توافق هسته‌ای فشار روانی را بر افکار عمومی داخل کشور می‌افزاید، به طرف مقابل زمان بیشتری می‌دهد تا برنامه‌های خود را پیاده کند، همچنان ابتکار عمل در دست حریف باقی می‌ماند، تحریم‌های اقتصادی که اعمال می‌شود و در ادامه اروپا نیز نقش خود را در تحریم‌ها به دست می‌گیرد، و دست آخری به نظر می‌رسد، چنین روشی به مرحله خروج کامل ایران از برجام نینجامد بلکه همه آن عوامل گفته شده باعث می‌شود توجیهی برای دادن امتیاز به آمریکا و اروپا ایجاد شود.

اما اگر برنامه دولت براساس خروج ناگهانی و بدون سنجش واکنش طرف مقابل انجام می‌گرفت، همه آن فرصت‌ها از دست آمریکا و اروپا خارج می‌شد. اروپا و آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران کاری نمانده که انجام نداده باشند و تنها گزینه جنگ باقی است که از آن هم دوری می‌کنند چراکه می‌دانند عواقب وخیمی برای آنها، منطقه و دنیا خواهد داشت.

### غفلت سیاست‌گذار از تورم

**دنیای اقتصاد:** راه علاج نرخ‌های تورم بالا چیست؟ قطعاً علاج آن رونق تولید نیست. البته خلاف این ادعا در میان بسیاری از مدیران کاملاً پذیرفته شده است. اینکه با رونق تولید می‌توان شیشه عمر تورم را شکست از جنس ادعاهایی است که در سخن منطقی به نظر می‌رسد، ولی وقتی پای عدد و رقم به میان می‌آید از منطق آن چیزی باقی نمی‌ماند. درواقع با کمی کردن این گزاره‌ها می‌توان عیار آن را سنجید.

در شرایط فعلی که تورم نقطه‌به‌نقطه وارد سطوح جدیدی شده، سیاست‌گذار پولی تلاش خود را برای مهار تورم به کاهش نرخ سود بانکی معطوف کرده است. با این توجیه که کاهش نرخ سود منجر به افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود و تولید رونق می‌گیرد و در ادامه با افزایش کالاها و خدمات تولید شده در اقتصاد، رشد قیمت‌ها مهار می‌شود.

فاصله گرفتن از این تحلیل کیفی و استفاده از منطق کمی به ارزیابی شفاف‌تری نسبت به ادعای فوق می‌انجامد. در تحلیل کمی لازم است به این سوال پاسخ داده شود که بانک مرکزی می‌تواند چه میزان رونق در اقتصاد ایجاد کند؟ برای مثال اگر اقتصاد با تورمی ۵۰ درصدی روبه‌رو باشد، آیا بانک مرکزی می‌تواند با کاهش نرخ سود و دیگر سیاست‌ها موجب شود رشد اقتصادی ۳۰ درصد افزایش یابد و از این طریق تورم به محدوده ۲۰ درصد برسد. به دو دلیل این تحلیل کمی اصلاً پذیرفته شده نیست. اول - در تاریخ اقتصادی معاصر ایران و در هیچ کشور دیگری، رشد اقتصادی ۳۰ درصد مشاهده نشده است.

دوم - بانک مرکزی حتی اگر بتواند تحرک اقتصادی ایجاد کند، نه تنها این رشد اقتصادی محدود است؛ بلکه در افق زمانی نیز چندان پایدار نخواهد بود و این رونق در مدت کوتاهی محو می‌شود. به همین دلیل است که در نظریات

اقتصادی، تورم پدیده‌ای پولی معرفی و برای مهار تورم بر کاهش رشد عرضه پول تاکید می‌شود. این نظریات تاکید می‌کنند که به دلیل توانایی سیاست‌گذار در عرضه نامحدود پول است که اقتصادها می‌توانند با تورم مزمن مواجه شوند و بنابراین تنها با محدود کردن عرضه پول می‌توان با این پدیده شوم مقابله کرد. همچنین به واسطه نقش پررنگ پول در ایجاد تورم پایدار است که نظریات اقتصادی افزایش تولید را به‌عنوان یک راهکار برای مهار تورم معرفی نمی‌کنند. تاکید بر کاهش تورم از طریق رونق تولید در شرایط فعلی می‌تواند ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به بخش تولید باشد. سیاست‌گذار ممکن است خیرخواهانه به دنبال کاهش نرخ سود برای ایجاد رونق در تولید و مشاغل جدید باشد، ولی آیا تورم ناشی از این سیاست‌های انبساطی اثری معکوس بر تولید نخواهد داشت؟ اگر در نتیجه سیاست‌های انبساط پولی، تورم دو برابر شود، آیا باز هم می‌توان به افزایش تولید اعتقاد داشت. در شرایط فعلی چه هدف سیاست‌گذار پولی ثبات قیمت‌ها باشد و چه رشد اقتصادی، باید تلاش کند تورم را در محدوده‌ای منطقی نگاه دارد. دولت باید از طریق بهبود مستمر فضای کسب‌وکار، کاهش انحصارات و تشویق رقابت زمینه تقویت رشد اقتصادی را فراهم کند؛ اما امید بستن به کاهش معنادار تورم با سیاست‌های پولی انبساطی در کوتاه‌مدت رویایی بیش نیست.

### چرا مذاکره اشتباه است

**صبح نو:** منطقه خاورمیانه به محیط ناامنی برای آمریکا و متحدانش تبدیل شده است. این پیغام در حال مخابره است که دولت ایالات متحده توانایی هزینه‌دادن برای منافع متحدانش را ندارد و فقط حاضر است هزینه برقراری امنیت روانی آن‌ها را دریافت کند. در چند روزی که از اقدام ایران درباره برجام گذشته است، پیغام‌های زیادی از جانب دولت‌های غربی به سوی ایران آمده که محتوایش تغییر محاسبات آن‌ها و درک جدید از قدرت ایران است. در همین شرایط، اگر آقای زنگنه همراهی کند، ایران توان فروش حداقل یک میلیون بشکه نفت در روز را دارد. تمامی این‌ها حکایتی است از شکست پروژه آمریکا در تغییر ساختار نظام ایران یا حتی استحاله‌اش. طبیعی است هر نوع مذاکره‌ای که به کاهش قدرت ایران منجر شود، هم به امنیت ایران و هم به سرنوشت مقاومت ضربه می‌زند. آمریکا زمانی می‌تواند با ایران گفت‌وگو کند که هم به برجام بازگردد و تحریم‌های هسته‌ای را لغو کند و هم قدرت منطقه‌ای و موشکی ایران را بپذیرد که چنین نگرشی اکنون نزد آن‌ها وجود ندارد. با این اوصاف، سخن رهبری بزرگوار که جنگ نمی‌شود و مذاکره هم نمی‌کنیم، برترین سخن است.

